

نقش چوپان در مدیریت دام و مرتع در استان آذربایجان غربی

حبيب دادآفرید، عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات بررسی مسائل روستایی سازمان جهاد کشاورزی،

چکیده:

به طور کل دامداری سنتی متکی بر مراتع، بخشی از مدیریت دام و مرتع به عهده چوپان می باشد در حالی که اغلب پژوهشگران در کارهای خود کوچکترین توجهی به این موضوع نداشته اند.

مقاله حاضر که براساس مطالعه ای در استان آذربایجان غربی نگاشته شده است، سعی دارد تا وضعیت چوپان و چوپانی و نقش آن را در مدیریت دام و مرتع مورد بررسی قرار دهد.

بدین منظور ابتدا طی مقدمه ای به بیان مسأله و ضرورت توجه و مذاقه به بحث چوپان و چوپانی پرداخته شده است و بعد ترکیب گله های موجود در استان در قالب سه گروه: ۱- گله گاو و گاومیش، ۲- گله گوسفند و بز ۳- گله بره و بزغاله، مورد بررسی قرار گرفته اند.

در بخشی از مقاله به قراردادهای چوپانی و جزییات آن اشاره کرده ایم و بعد تأثیر چوپان را در برخی عوامل مؤثر در تعادل دام و مرتع به بحث گذاشته و نقش وی را در زمان ورود و خروج دام به مرتع، اندازه گله و به ویژه در سیستم چرا بررسی کرده ایم. سیستم چرا که از مهمترین عرصه های است که یک چوپان می تواند در آن تأثیرگذار باشد، بحثهایی مانند مسیر تردد دام، محل اطراق و استراحت شبانه دام، دلایل

تعویض یا عدم تعویض محل اطراق شبانه و نقش آب و نمک در پراکنش صحیح دام در مرتع به دقت بررسی شده‌اند.

در نهایت به دانش و آگاهی چوپانها از موضوعها و مسائل مرتعی پرداخته و طی آن میزان آگاهی چوپانهای مورد مطالعه در شش حیطه سنجیده شد. براساس نتایج بدست آمده، آنها را در سه طبقه خوب، متوسط و ضعیف تقسیم‌بندی کرده و نیاز آموزشی را توجیه نموده‌ایم.

واژه‌های کلیدی:

چوپان، مدیریت مرتع و گله.

مقدمه:

در استان آذربایجان غربی، عمده‌ترین منبع تأمین درآمد عشایر و بخشی از درآمد روستاییان به دامداری سنتی متکی بر مراتع وابسته است. بکارگیری چوپان به عنوان کسی که دامهای روستاییان یا عشایر را جهت چرا در قبال دریافت دستمزد به مراتع بیلاقی، قشلاقی حریم روستا و پس‌چر زمینهای زراعی برای چرا می‌برد، موضوعی است که در مناطق مذکور عمومیت دارد.

محققان مسایل مربوط به دام و مرتع به‌طور معمول هر جا که صحبت از ارتباط دام و مرتع می‌رود، بلافاصله صحبت از عوامل مربوط به مرتع مانند تولید علوفه، ظرفیت چرا، سنجش آمادگی چرا، کودپاشی و یا عوامل مربوط به دام مانند تعداد دام، نوع دام و پراکنش دام کرده و به همین حد بسنده می‌کنند، در حالی که واقعیت امر این است که چوپان یکی از حلقه‌های گمشده است که اغلب در دامداری سنتی متکی بر مراتع وجود داشته و اعمال نقش می‌نماید و ما معمولاً از آن غافل هستیم. یک چوپان از لحظه‌ای که دام را از روستا خارج می‌کند حاکم مطلق گله است و مدیریت اوست که

بر گله و مرتع اعمال می‌شود. هر چند حدود اختیارات او محدود است و همین اختیارات نیز توسط دامدار به او دیکته شده‌اند و چه بسا، طی قراردادی همه این موارد و موارد دیگر مدیریتی به او گوشزد شده‌اند، اما با این حال باز هم اوست که به واسطه دانش یا عدم آگاهی خویش، تجربه یا بی‌تجربگی خویش، و احساس مسئولیت یا بی‌مسئولیتی خویش همه رشته‌ها را می‌تواند ببافد و یا پنبه کند.

حال با عنایت به اینکه تمامی گزارشات سازمانهای ذیربط مراتع حاکی از روند رو به رشد تخریب مراتع هستند و تحقیقات متعدد نیز بر این مسأله صحه گذارده‌اند و نیز با توجه به اینکه اغلب عوامل مؤثر بر تخریب به وفور مورد بحث واقع شده‌اند، در این مقاله سعی خواهیم کرد تا نقش چوپان را به عنوان یکی از عوامل مدیریتی مهم که بسیار کم و آن هم از ابعادی دیگر به آن پرداخته شده است مورد بررسی قرار دهیم.

این مقاله براساس تحقیقی نگاشته شده که نگارنده در مراتع استان آذربایجان غربی به انجام رسانده است و اطلاعات و ارقامی که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته‌اند، بخشی از نتایج تحقیق مذکور می‌باشند که علاقه‌مندان می‌توانند جهت مطالعه بیشتر به آن مراجعه نمایند.

ترکیب گله:

در استان آذربایجان غربی به نحو عمده سه نوع گله را می‌توانیم شناسایی کنیم که هر یک به نوعی خاص مورد تعلیف واقع می‌شوند:

گله گاو و گاومیش:

این گله‌ها در مناطق روستایی با مراتع مسطح و جلگه‌ای که فعالیت اصلی معیشتی بر زراعت و باغداری مبتنی است، مشاهده می‌شوند. این نوع گله‌ها زمانی به چوپان واگذار می‌شوند که تعدادشان در یک روستا قابل توجه باشد، در این حالت در ایامی از سال به ویژه از اواخر فروردین تا پایان مهر ماه چوپانی مشترک به‌وسیله

دامداران به استخدام در می‌آید و در اصطلاح محلی «نخترچی» (nax.rcy) نامیده می‌شود.

گله گوسفند و بز:

گله‌های گوسفند و بز ترکیب غالب در مراتع استان هستند، چرا که اکثریت مراتع در ارتفاعات واقع شده‌اند و این نوع دامها به راحتی قادر به تردد و تعلیف در مراتع نواحی مرتفع کوهستانی می‌باشند. در این گله‌ها به ندرت ممکن است تعداد محدودی گاو به چشم بخورد و البته بز نیز چنین حالتی دارد به این معنی که در یک گله تعداد بز اندک است و به‌طور معمول به ازای هر ۱۰ یا ۱۵ گوسفند، یک بز در ترکیب گله قرار می‌گیرد. این مسأله بدان علت است که بز حیوانی است سر به هوا و متفرق که همیشه سبب دردسر چوپان می‌شود.

گله بره و بزغاله:

دامداران عشایری و روستایی بره‌ها و بزغاله‌ها را از گله گوسفند و بز جدا می‌کنند و در قالب گله‌ای جداگانه به چوپانی مخصوص می‌سپارند. این نوع گله‌ها در مناطق عشایری و نیز روستاهایی که گله‌های گوسفند و بز قابل ملاحظه دارند به چشم می‌خورند.

سازماندهی و مدیریت هر یک از سه گونه فوق در کل با سایر گونه‌ها متفاوت است. به‌عنوان مثال گله بره و بزغاله فقط مواقعی که از تعداد قابل توجهی برخوردار است به چوپان واگذار می‌شود، در غیر این صورت یکی از افراد خانواده چوپانی بره و بزغاله را به عهده دارد، در هر حال گله بره و بزغاله قبل از گرم شدن هوا (تا ساعات ۱۱ قبل از ظهر) به روستا برگردانده شده و در سایه نگهداری می‌شود و یا گله گاو و گاو میش که توانایی راهپیمایی زیاد به ویژه در مناطق کوهستانی را ندارند در نتیجه در مراتع مسطح و نزدیک روستا چرانده می‌شود، از طرفی گاو میش باید جهت آبتنی، مرداب، یا رودخانه در دسترس داشته باشد.

به علاوه در ترکیب گله، یک الی پنج قلاده سگ نیز بسته به اندازه گله و وضعیت منطقه ضرورت می‌یابد. در گله‌هایی که مسیرهای طولانی‌تری را از روستا تا محل چرا و مرتع طی می‌کنند، یک تا سه الاغ و در بعضی موارد اسب و قاطر نیز به منظور حمل آذوقه و آب و سایر نیازها چوپان بکار گرفته می‌شوند.

قرارداد چوپانی:

چوپانی وظیفه‌ای است که طبق قراردادی کتبی یا شفاهی بر عهده فردی خاص نهاده شده و تمامی حدود و ثغور آن مشخص می‌شود. مدت قرارداد چوپانی بین پنج تا هشت ماه متغیر است و در فاصله زمانی فروردین تا آبان‌ماه منعقد می‌گردد. قرارداد چوپانی به ندرت در فصلهای پاییز و زمستان منعقد می‌گردد.

دستمزد چوپان با توجه به وضعیت اشتغال و بیکاری و نیز فرهنگ حاکم بر منطقه متفاوت است. به‌طور معمول تعداد دام موجود در گله یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده میزان دستمزد است.

طی سالهای گذشته به ازای هر ۱۵ تا ۲۰ رأس گوسفند، یک بره به چوپان تعلق می‌گرفت، ولی در حال حاضر دستمزدها به صورت پولی (وجه نقد) در آمده‌اند و صاحبان دام و نیز چوپانان ترجیح می‌دهند که دستمزدشان به این صورت پرداخت شود تا به راحتی قابل حمل و تبدیل باشد.

در سال ۱۳۷۷ دستمزد یک چوپان به ازای شش ماه چوپانی در طول بهار و تابستان، بین ۱۲۰ هزار تومان تا ۲۵۰ هزار تومان در متغیر بوده است. در ضمن غذای چوپان و نیز مقداری از پشم گوسفند و لباس و انعام در زمان اتمام مدت قرارداد به چوپان تعلق می‌گرفته است.

مهمترین و کلی‌ترین انتظاری که صاحب دام از چوپان خود دارد، نگهداری صحیح و سالم و خوب چراندن دام‌هایش است. اما با این حال برخی وظایف جزئی نیز از او انتظار می‌رود از جمله:

- ۱- شمارش روزانه دام جهت اطلاع از تعداد آن.
 - ۲- آب دادن به موقع دامها.
 - ۳- مطلع نمودن صاحب دام از محل اطراق دام.
 - ۴- جلوگیری از ورود دام به مزارع و باغها.
 - ۵- مطلع نمودن صاحب دام از بیماری دامها.
 - ۶- چراندن شبانه دام در مواقعی که گله شب را در مرتع اطراق می‌کند.
- همان گونه که مشاهده می‌شود، وظایف چوپان و انتظار صاحب دام از وی تنها در مراقبت از گله خلاصه شده و هیچ گونه اشاره و توجهی به مرتع و نحوه استفاده صحیح از آن نشده است. بنابراین درمی‌یابیم که هدف دامدار، دام است نه مرتع، در حالی که در مرتعداری هدف مرتع است نه دام، بنابراین در هیچ یک از این اهداف مورد دیگری مد نظر قرار نمی‌گیرد. اما بدون تردید با جمع این دو مورد می‌توان به تعادلی پویا دام و مرتع نایل آمد.

نقش چوپان در برخی از عوامل مؤثر در تعادل دام و مرتع:

چوپان و زمان ورود و خروج دام از مرتع: طبق مطالعه انجام شده، ۵۵/۶٪ از چوپانان اظهار داشته‌اند که هیچ گونه نقشی در مورد اینکه چه موقع گله را به مرتع ببرند و کی آنرا برگردانند ندارند و این امر به عهده صاحب دام است. حدود ۳۵/۸٪ هم اظهار نموده‌اند که این مسأله به وسیله چوپان تعیین می‌شود. همچنین حدود ۹/۸٪ از چوپانان هم ابراز داشته‌اند که این منابع طبیعی است که زمان ورود و خروج دام از مراتع تعیین می‌نماید. بدین ترتیب مشاهده می‌کنیم که نزدیک به ۳/۱ از چوپانان نقش تعیین کننده‌ای در زمان ورود و خروج دام از مراتع را دارا هستند.

- چوپان و اندازه گله در مرتع: در پاسخ به این سؤال که «تعیین تعداد دامی که به مراتع برده می‌شود، بر عهده چه کسی است»، حدود ۷۷٪ از چوپانان اعلام داشته‌اند که این وظیفه بر عهده صاحب دام است و ۲۰/۵٪ اظهار کرده‌اند که این چوپان است که با

توجه به وضعیت موجود مرتع تشخیص می‌دهد که چه تعداد دام باید به مرتع برده شود (۲/۵٪ از چوپانان تعیین تعداد دام را وظایف اداره منابع طبیعی می‌دانند). همان گونه که می‌دانیم، افزایش تعداد دام در مرتع یکی از عوامل اصلی تخریب مراتع به شمار می‌رود و چون چوپان یک مزدبگیر است و مزد او براساس تعداد دام گله‌اش محاسبه و پرداخت می‌شود، بنابراین در مواقعی که (یعنی همان ۲۰/۵٪) تعیین تعداد دام بر عهده چوپان است، طبیعتاً چوپان به وضعیت مرتع توجهی نکرده و تمایل خواهد داشت تا گله بزرگتری را به مرتع ببرد و بدین طریق دستمزد بیشتری دریافت دارد.

چوپان و سیستم چرا:

منظور از سیستم چرا در حقیقت شامل تقسیم‌بندی مرتع، قرق آن، تقدم و تأخر چرا در قسمتهای مختلف مرتع، نحوه تردد دام در مرتع و ... می‌گردد. طبق مطالعه صورت گرفته، حدود ۶۴٪ از چوپانان اظهار داشته‌اند که سیستم چرا را خودشان تعیین می‌کنند و فقط ۳۵٪ از ایشان تعیین این مهم را جزء وظایف صاحب دام قلمداد کرده‌اند.

براساس مشاهدات و بررسیهای انجام گرفته، چوپان به دلایل چندی نقش قابل

توجهی در تعیین سیستم چرا دارد که به چند مورد آن در زیر اشاره می‌شود:

۱- برخی از صاحبان دام به دلیل اینکه در شهر ساکن هستند و یا مشاغل تجاری، بازرگانی، کشاورزی و ... دارند، در نتیجه حضور کامل در منطقه و محل چرای دام ندارند و گله‌های خود را به چوپانان سپرده‌اند.

۲- در روستاهایی که شغل اصلی مردم کشاورزی می‌باشد، وضعیت مرتع و نحوه چرای آن اهمیتی ندارد. در چنین روستاهایی، اهالی هر یک تعدادی دام دارند که چندان هم قابل توجه نیستند و چوپانی را به استخدام در آورده (به صورت اشتراکی) و به اتفاق گله راهی مرتع کرده‌اند و هیچ انتظاری به غیر از سلامت و خوب چراندن دامها ندارند.

۳- چون تعدادی از چوپانان از تجربه زیادی برخوردارند بنابراین صاحبان دام آزادی عمل بیشتری در خصوص نحوه چرا به آنها می‌دهند. یکی از مسائلی که در سیستم چرا می‌توان به آن اشاره کرد، مسیر تردد دامهاست. رفت و آمد بیش از حد دام از مسیرهایی مشخص سبب ایجاد «میکروتراس» (Micro Trass) و در نهایت از بین رفتن پوشش گیاهی آن نواحی می‌گردد. همان گونه که در جدول شماره (۱) مشاهده می‌کنید، شیوه‌های تردد دام حالت‌های مختلفی دارد که بیشترین فراوانی مربوط به حالت چهارم و بعد حالت اول است.

جدول شماره (۱): مسیر تردد گله (از روستا به مرتع و برعکس)

ردیف	مسیر تردد	فراوانی	درصد
۱	به اجبار همیشه از یک مسیر ثابت رفت و آمد می‌شود	۱۵	۱۲/۸
۲	اجباری در کار نیست، ولی طبق عادت از یک مسیر ثابت تردد می‌شود	۷	۶
۳	با توجه به وضعیت مراتع از یک مسیر می‌رویم و از مسیر دیگر برمی‌گردیم	۱۲	۱۰/۲
۴	هر دفعه ممکن است فرق کند، بستگی دارد به اینکه از کجا چرا کند	۸۰	۶۸/۳
۵	اظهار نشده	۳	۲/۶
جمع		۱۱۷	٪۱۰۰

محل اطراق و استراحت شبانه دام در مراتع اکثر عشایر و روستاییانی که مراتع آنها با روستایشان فاصله دارد و همچنین به منظور بهره‌گیری بیشتر از مراتع، شب را در مرتع اطراق نموده و به چرای شبانه دام می‌پردازند.

جدول شماره (۲): تغییر محل اطراق و استراحت شبانه دام در مرتع

ردیف	مسیر تردد	فراوانی	درصد
۱	محل استراحت و اطراق دام را شبها تغییر می‌دهند	۶۶	۵۶/۵
۲	محل استراحت و اطراق دام را شبها تغییر نمی‌دهند	۳۰	۲۵/۶
۳	شبها دام را در مراتع نگهداری نمی‌کنند و به روستا بر می‌گردانند	۲۱	۱۷/۹
جمع		۱۱۷	۱۰۰٪

عمده‌ترین دلایل تعویض محل اطراق دام از دیدگاه چوپانان به شرح زیر ذکر شده است:

- ۱- گله در محلی که علفهای آنجا بوی فضولات خودشان را گرفته است نمی‌خوابد.
- ۲- اگر محل اطراق دام خیس و مرطوب باشد، دامها نمی‌خوابند و سرپا می‌ایستند.
- ۳- وقتی که علوفه یک قسمت از مرتع مورد تعلیف واقع شد، به ناچار دام را به محلی دیگر انتقال می‌دهیم.

آن دسته از چوپانانی که اظهار داشته محل اطراق شبانه دام را تغییر نمی‌دهند، به‌طور عمده به دلایل زیر بوده است:

- ۱- گله به یک محل عادت می‌کند.
- ۲- محل اطراق باید امن باشد و چنین وضعیتی محدود است.
- ۳- باید به آب و روستا دسترسی داشت تا صاحب دام بتواند مراجعه کند.

عامل مدیریتی دیگری که یک چوپان می‌تواند در زمان چرای دام در مرتع اعمال نماید، نحوه پراکنش صحیح دام و مرتع است. آب یکی از وسایلی است که چوپان با توجه به آن می‌تواند پراکنش صحیحی در مرتع ایجاد نماید. این مسأله متأسفانه به دلیل نبودن آبشخورهای اصولی ساخته شده یا طبیعی در سطح مراتع آذربایجان غربی کمتر مورد استفاده چوپان جهت پراکنده کردن صحیح دام مورد استفاده قرار می‌گیرد. از طرفی چوپان هم یک مزدبگیر بیشتر نیست، در مورد ایجاد آبشخور اقدامی نخواهد کرد. پس این صاحب دام است که باید چنین اقدامی نماید و او هم به‌طور طبیعی در مرتعی آبشخور احداث می‌کند که به آن احساس تعلق و مالکیت داشته باشد. مشاهده‌ها بعمل آمده در این مطالعه نشان می‌دهند که فقط در مراتعی که در قالب طرحهای مرتعداری به دامداران واگذار شده‌اند و یا چراگاه مصنوعی بوده و توسط دامداران به صورت دست کاشت علوفه کاری شده‌اند، آبشخور احداث شده است.

نمک وسیله دیگری است که چوپان می‌تواند با استفاده از آن دام را در سطح مراتع پراکنده سازد. دادن نمک در مراتع ییلاقی کوهستانی در مراتعی که گیاهان شور روی زیادی ندارند و در جلگه‌های اطراف دریاچه ارومیه واقع نشده‌اند، انجام می‌پذیرد. مشاهده‌ها و مصاحبه‌های بعمل آمده نشان می‌دهند که اکثر چوپانان از نمک به عنوان ابزاری برای پراکنش صحیح دام استفاده نمی‌کنند.

چون پراکنده شدن دام در سطح مرتع اولاً سبب آزار و اذیت چوپان و احتمالاً رفتن دام به مراتع، گم شدن، حمله حیوانات وحشی و ... می‌شود و ثانیاً در صورت عدم کنترل چوپان، دام ممکن است نمک بیش از حد مصرف از تشنگی هلاک گردد، بنابراین چوپانان ترجیح می‌دهند که دام را به‌صورت متمرکز و توده وار بچرانند و بدین طریق به گله تسلط داشته باشند.

دانش و آگاهی چوپان از مرتع:

آیا چوپانان فقط از نحوه تیمار دام اطلاع دارند و یا نه، مراتع را هم خوب می‌شناسند و از نحوه صحیح استفاده از مرتع مطلع هستند؟ به منظور کسب اطلاع از میزان آگاهی و اطلاعات چوپانان از مراتع و رفتار دام در مرتع، تعداد ۱۱ سؤال ساده در پرسشنامه درج گردیده، سؤالها با زبان محلی (ترکی-کردی) توسط پرسشگر به چوپانان بازگو شده و پاسخ آنان عیناً نوشته می‌شد. بعد در موقع تجزیه و تحلیل برای هر یک از سؤالها با توجه به وزن و سهم سؤال امتیازی در نظر گرفته شد، به طوری که مجموع امتیاز کامل، ۱۰۰ امتیاز بود. پاسخهای داده شده امتیازبندی، حاصل جمع امتیازات اکتسابی از مجموع سؤالها به عنوان نمره و امتیاز هر یک تلقی گردید.

حیطه سؤالهای مربوط به سنجش دانش چوپان در موارد زیر بوده است:

- ۱- حیطه شناخت چوپان از عوامل تخریب مراتع و چگونگی جلوگیری از تخریب.
- ۲- حیطه شناخت چوپان از عوامل تخریب مراتع و چگونگی جلوگیری از تخریب.
- ۳- حیطه شناخت چوپان از مفهوم قرق و ظرفیت مرتع.
- ۴- حیطه شناخت چوپان از گیاهان دارویی، سمی و خوشخوراک.
- ۵- حیطه شناخت چوپان از رفتار دام در مرتع.
- ۶- حیطه شناخت چوپان از پراکنش صحیح دام در مرتع.

جدول شماره (۳): سطح‌بندی دانش چوپان از مرتع

ردیف	سطح اطلاعات	گروه‌بندی امتیازات	فراوانی
۱	ضعیف	امتیاز کمتر از ۵۰	۹
۲	متوسط	امتیاز ۵۰-۷۵	۷۴
۳	خوب	امتیاز بیش از ۷۵	۳۴
جمع			۱۱۷

همان طوری که در جدول مشاهده می‌شود اطلاعات چوپانان از مرتعداری در حد متوسط است (۷۴ نفر) لیکن همین مقدار دانستنیهای خود را در بهره‌برداری از مراتع بکار نمی‌گیرند و یا اجازه بکارگیری را ندارند.

نتیجه‌گیری:

طی آنچه که گذشت، استخدام و بکارگیری چوپان در حدود ۶۰٪ از روستاها و مناطق عشایری استان، امری است متداول، چوپانانی که ۷۰ درصدشان بیسواد هستند و قریب به اتفاقشان اطلاعات مرتعی چندانی ندارند، به عنوان حلقه روابط بین دامدار و مرتع ایفای نقش می‌کنند و در عوامل مهم مرتعی چون؛ تعیین اندازه گله، تعیین زمان ورود و خروج دام از مرتع، تعیین مسیر تردد دام، تعیین محل اطراق و استراحت شبانه دام، تعیین نحوه پراکنش یا تمرکز دام و . . . مؤثر واقع می‌شوند. اما متأسفانه درکار اغلب پژوهشگران در نظر گرفته نمی‌شود حتی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی نیز از نقش چوپان خبری نیست.

به‌رغم وجود سه نوع ترکیب گله، بیشترین فراوانی مربوط به گله‌های گوسفند و بز است و اندازه گله‌های گوسفند و بز در ۲۴٪ موارد کمتر از ۳۰۰ رأس و ۴۴٪ آنها ۳۰۰ تا ۶۰۰ رأس و ۳۰٪ از گله‌ها بیش از ۶۰۰ رأس هستند.

در مناطقی که شغل اصلی روستاییان زراعت یا باغداری است و دامداری شغل دوم ایشان محسوب می‌گردد و نیز دامداری که شغل اصلی‌شان دامداری است ولی به لحاظ مشکلات زندگی روستایی یا عشایری به شهر مهاجرت کرده‌اند ولی دامهایشان را کماکان حفظ نموده و برای نگهداری آنها چوپانی به استخدام درآورده‌اند. بنابراین خودشان به همراه دام به مرتع نمی‌روند، و چوپان حاکم بلامنازع در مرتع است. چوپانی که هیچ‌گونه تعلق خاطری به مرتع و آینده آن ندارد، فقط به چاق شدن دامهای

تحت تیمارش می‌نگرد و بس! او نتیجه کار را به هر روشی که ممکن باشد دنبال می‌کند و البته هیچ تعهدی هم جز این ندارد. در صورتی که موارد متعددی از عوامل مؤثر در تعادل دام و مرتع بدست چوپان قابل انجام است ولی انگیزه‌ای برای این کار ندارد.

دام و مرتع در اکوسیستم طبیعی سخت با یکدیگر عجین شده‌اند، ولی متأسفانه تحت لوای دو مدیریت جداگانه متناقض ناکار آمد کنترل و هدایت می‌شوند.

اول اینکه تحت مالکیت خصوصی دامداری است که به جز منافع آبی خویش به هیچ چیز دیگر نمی‌اندیشد و دوم اینکه به ظاهر (ملی) دولتی است و مالک مشخصی دارد، ولی در عمل به صورت عمومی در قالبهای متفاوتی مانند پروانه چرا، مشاع، حریم روستا مورد استفاده قرار می‌گیرد، بنابراین به سادگی می‌توان پایان چنین معادله‌ای را که در یک طرف آن مالک خصوصی با علاقه‌های سفت و سختش به منافع ناشی از دام قرار دارد و در طرف دیگرش خوان نعمتی که متولی مشخصی ندارد قرار گرفته است پیش بینی کرد وضعیتی که هم اکنون مراتع ما بدان دچار گشته‌اند.

نگارنده بر این عقیده است که اگر چنانچه پیوندی طبیعی نه تنها بین دام و مرتع که بین دامدار و مرتعدار ایجاد شود، همه چیز یک کاسه خواهد شد و دامدار منافع و مضار خویش را در منافع و مضار مرتع خویش خواهد جست و آنگاه است که چوپان نیز که در بعضی موارد حلقه واسط این دو طرف است و در آینده نیز بر تعدادشان افزوده خواهد شد، در کل تحت کنترل دامدار خواهد بود و همان گونه که از دام مراقبت می‌نماید، از مرتع نیز مراقبت خواهد کرد.

در حال حاضر در نظام دامداری سنتی متکی بر مراتع وجود چوپان یک واقعیت است که بخشی از مدیریت مراتع به عهده آنهاست و در هر گونه برنامه‌ریزی و سازماندهی برای تعادل دام و مرتع نباید از این موضوع غافل شد. مگر اینکه تغییرات اساسی و بنیادی در نظام بهره‌برداری از مراتع صورت گرفته و بین بهره‌بردار و مرتع از

لحاظ مالکیت تعلق خاطر ایجاد شود و دام مازاد همراه با بهره‌برداران از عرصه مراتع خارج و از دامداری سنتی به دامداری صنعتی سوق داده شود.

منابع:

- ۱- احمدی، احمد، ۱۳۷۵. مدیریت مراتع عامل بازدارنده با توسعه مراتع در شمال استان - استان آذربایجان غربی. مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام
- ۲- پاپلی‌یزدی، محمدحسین، ۱۳۷۰. چوپان. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۳- عشقی، ابوالفضل، ۱۳۶۸. نقش چوپان در زندگی کوچ‌نشینان شمال خراسان. فصلنامه عشایر ذخایر انقلاب.
- ۴- موسوی‌نژاد، ابراهیم، ۱۳۶۷. دمی با چوپانان. فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب.
- ۵- پورکریم، هوشنگ، ۱۳۷۴. اینچه برون. مجله هنر و مردم.
- ۶- والتاین، جان‌اف، ۱۳۷۲. مدیریت چرا در مراتع. ترجمه عوض کوچکی و همکاران، نشر مشهد.
- ۷- دادآفرید، حبیب، ۱۳۷۳. تأثیر آموزشهای ترویجی در استفاده صحیح از مراتع. پایان‌نامه، دانشگاه تهران.
- ۸- نقش چوپان در گله‌های عشایری ماکو. گزیده‌ای از منتخب از مطالعات جامع زیست بوم عشایری، اداره کل عشایری استان آذربایجان غربی.
- ۹- مرتعداری. ۱۳۶۰. جزوه آموزشی دانشگاه ارومیه، فجری.
- ۱۰- اصلاح و توسعه مراتع. ۱۳۷۲. جزوه آموزشی، دانشگاه تهران.